

دادرسی اساسی تطبیقی

عنوان پژوهش

وظایف و کارویژه‌های دادگاه قانون اساسی جمهوری ایتالیا

شماره مسلسل: ۱۳۹۲۰۰۱۳

تاریخ: ۱۳۹۲/۵/۲۳



شناسنامه

عنوان:

دادرسی اساسی تطبیقی وظایف و کارویژه‌های دادگاه قانون اساسی جمهوری ایتالیا

تهیه و تدوین:

مصطفی منصوریان

ناظر علمی:

سید محمد مهدی غمامی

دفتر مطالعات تطبیقی

شماره مسلسل: ۱۳۹۲۰۰۱۳

تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۵/۲۳

مرکز تحقیقات شورای نگهبان

الحمد لله رب العالمين

فهرست مطالب

چکیده.....	۴
مقدمه.....	۵
۱. پیشینه دادگاه قانون اساسی ایتالیا.....	۷
۲. ساختار شکلی دادگاه قانون اساسی ایتالیا.....	۸
۳. صلاحیت‌های دادگاه قانون اساسی ایتالیا.....	۱۰
۳-۱. بررسی مطابقت قوانین با قانون اساسی.....	۱۱
۳-۲. حل و فصل تعارضات اختیارات بین دولت و ایالات و ایالات با یکدیگر و نیز بین دستگاه‌های دولتی.....	۱۳
۳-۲-۱. حل و فصل تعارضات اختیارات بین دولت و ایالات و ایالات با یکدیگر.....	۱۳
۳-۲-۲. حل و فصل تعارضات اختیارات بین دستگاه‌های دولتی.....	۱۴
۳-۳. رسیدگی به اتهامات وارده به رئیس‌جمهور.....	۱۴
۳-۴. رسیدگی به درخواست همه‌پرسی.....	۱۵
۳-۵. تفسیر قانون اساسی.....	۱۶

۴. محدودیت‌های وارده بر صلاحیت‌های دادگاه قانون اساسی ۱۶
- ۱-۴. محدودیت در شیوه ارجاع ۱۷
- ۲-۴. محدودیت در صلاحیت بررسی ۱۸
- ۳-۴. محدودیت در آثار ۱۸
۵. انواع تصمیمات دیوان قانون اساسی ۱۹
- ۱-۵. رأی به عدم پذیرش ۱۹
- ۲-۵. قبول و رد ۱۹
- ۳-۵. آراء تفسیری ۲۰
- ۴-۵. آراء ساختگی ۲۰
۶. دیوان قانون اساسی ایتالیا و حمایت از حق‌ها و آزادی‌های بنیادین ۲۱
- جمع‌بندی ۲۳
- جدول مقایسه‌ای بین نهاد شورای نگهبان جمهوری اسلامی ایران و دیوان
قانون اساسی جمهوری ایتالیا ۲۵
- یادداشت‌ها ۲۶
- منابع و مأخذ ۳۵

چکیده

صیانت از قانون اساسی به عنوان میثاق ملی و سند حقوقی سیاسی کشور نخست به لحاظ برتری قانون اساسی بر سایر قوانین و مقررات عادی که توسط پارلمان‌ها به تصویب می‌رسد، دوم به جهت تضمین لازم برای مطابقت قوانین عادی با قانون اساسی و سوم از نقطه نظر پاسداری از نقض قانون اساسی توسط قوای حاکم امری کاملاً مهم و ضروری به حساب می‌آید که در همه نظام‌های حقوقی تدابیری برای آن اندیشیده شده است. در واقع، کشورها به این نتیجه رسیده‌اند که اصل برتری قانون اساسی ایجاب می‌نماید همه قوانین مصوب کشور با آن منطبق گردد و در غیر این صورت حقوق اساسی افراد دستخوش نوسان گشته و اصل ثبات و تداوم سیاسی کشور که با قانون اساسی برقرار شده، متزلزل می‌گردد.

نظام حقوقی جمهوری ایتالیا نیز به مثابه یکی از این کشورهاست که دادگاه قانون اساسی را برای نیل به این اهداف تأسیس نموده و از حدود نیم قرن تجربه آن برخوردار می‌باشد و این نوشتار درصدد بررسی صلاحیت‌ها و کارویژه‌های نهاد مزبور به عنوان نهاد متناظر شورای نگهبان جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: دادرسی اساسی، دادگاه قانون اساسی، مطابقت قوانین با قانون اساسی، تصمیمات دادگاه قانون اساسی

مقدمه

تدوین نظام حقوقی ایتالیا بر اساس حقوق رم و قوانین ناپلئونی^(۱) فرانسه می‌باشد که در قرن نوزدهم و در دوره سلطنت ویکتور امانوئل^(۲) به دنبال آنکه ایتالیا به سرزمینی متحد^(۳) بدل گشت، قوانین سرزمین پادشاهی ساردینیا^(۴) سراسر این کشور را تحت تأثیر خود قرار داد. با روی کار آمدن موسولینی^(۵) در سال ۱۹۲۲ میلادی، رژیم فاشیستی ایتالیا^(۶) تأسیس شد و تا سال ۱۹۴۵ میلادی بر این کشور حاکم بود که با اعدام موسولینی در سال ۱۹۴۳ میلادی، مقدمات فروپاشی آن رژیم نیز فراهم گشت و در نهایت در هیجدهم ژوئن سال ۱۹۴۶ میلادی در پی شرکت مردم ایتالیا در یک همه‌پرسی، نظام جمهوری پارلمانی^(۷) جایگزین رژیم دیکتاتوری شد (McGaw Smyth, 1948, vol 1: 205-222).

شایان ذکر است که قانون اساسی ایتالیا در فاصله بین بیست و پنجم ماه ژوئن سال ۱۹۴۶ میلادی لغایت سی و یکم ماه ژوئیه سال ۱۹۴۷ میلادی به وسیله مجلس مؤسسان^(۸) این کشور تنظیم و سپس به تصویب رسید و از بیست و هفتم دسامبر سال ۱۹۴۷ میلادی نیز به اجرا درآمد (Einaudi, 1948, vol 4:661-676; Adams and Barile, 1953, vol 47: 61).

قانون اساسی ایتالیا متشکل از ۱۳۹ ماده می‌باشد و به سه بخش اصلی قابل تقسیم است: اصول اساسی^(۹) (مواد ۱ تا ۱۲)، حقوق و وظایف شهروندان^(۱۰) (مواد ۱۳ تا ۵۴) و سازمان و تشکیلات جمهوری^(۱۱) (مواد ۵۵ تا ۱۳۹).

در این رابطه، حکومت ایتالیا بر اساس اصل تفکیک قوا و حاکمیت قانون بنا گشته و مشارکت سیاسی نیز در آن عمدتاً به طور غیر مستقیم و دموکراسی نمایندگی صورت می‌پذیرد (Robbers, 2007: 445).^(۱۲) طبق ماده ۵۵ قانون اساسی ایتالیا، قوه مقننه از دو رکن تشکیل شده است: الف) مجلس نمایندگان^(۱۳) که از ۶۳۰ نماینده تشکیل شده و با رأی مستقیم مردم ایالت‌های این کشور و ایتالیایی‌های مقیم خارج از کشور برای یک دوره ۵ ساله انتخاب می‌شوند؛^(۱۴) ب) مجلس سنا^(۱۵) که متشکل از ۳۱۵ سناتور منتخب مردم، پنج عضو منصوب از سوی رئیس حکومت و در نهایت رئیس‌جمهور سابق می‌باشد و ایشان نیز برای یک دوره ۵ ساله انتخاب می‌گردند.^(۱۶) در خصوص وضع قانون نیز لازم به ذکر است که قوانین در صورتی مورد تأیید تلقی می‌گردند که یک لایحه یکسان توسط هر دو مجلس به تصویب برسد.^(۱۷) قوانین تصویب شده، پس از تصویب ظرف مدت یک ماه توسط رئیس‌جمهور توشیح می‌شوند.^(۱۸)

مسئله قابل توجه دیگر، انتخابات پارلمانی ایتالیا می‌باشد. قانون اساسی ایتالیا رویه‌های حاکم بر این انتخابات را مشخص ننموده و آن را به قوانین عادی واگذار کرده است. سابقاً^(۱۹) نظام رأی‌گیری تناسبی^(۲۰) به پراکندگی آراء و در نتیجه بی ثباتی نظام حاکم منجر می‌شد^(۲۱) و در نتیجه برای مقابله با این مسئله، در سال ۲۰۰۵ اصلاحاتی در قانون انتخابات ایتالیا به عمل آمد و مطابق با قانون اصلاح شده مذکور،^(۲۲) هر حزبی که بتواند بیشترین آراء (اکثریت نسبی) یک حوزه را بدست آورد، دارای ۵۵ درصد کرسی‌های آن ناحیه نیز خواهد شد و به این ترتیب ائتلافی که به بیشترین تعداد کرسی‌ها دست یافته باشد، به حداقل نصاب ۳۴۰ کرسی برای در اختیار داشتن رأی اکثریت و تشکیل دولت نیز نائل می‌گردد.

رئیس‌جمهور ایتالیا نیز رئیس حکومت و مظهر وحدت ملی است^(۲۳) و با رأی مخفی و اکثریت دو سوم اعضای شرکت کننده در اجلاس مشترک مجلسین و یا پس از دور سوم رأی‌گیری با اکثریت مطلق آراء اعضاء مزبور برای یک دوره هفت ساله انتخاب می‌گردد.^(۲۴)

اما یکی از مهمترین اهداف قانون اساسی هر کشوری و از جمله ایتالیا حفظ یکپارچگی نظام حقوقی مربوطه، اجرای کامل آن و جلوگیری از انحراف در سلیقه‌ای عمل نمودن به مواد آن می‌باشد که در قانون اساسی ایتالیا نیز بدین منظور نهاد مستقلی در نظر گرفته شده و به همین جهت «دادگاه قانون اساسی»^(۲۵) ایتالیا تأسیس گشته است (S. Dengler, 2001: Introduction). در واقع دادرسی اساسی و نهادهای اعمال کننده آن، ساز و کارهای لازم را برای تضمین اصول مندرج در قانون اساسی فراهم می‌سازند و به عبارت دیگر بدون نهاد پاسدار و تضمین‌گر، نیل به اهداف فلسفی، حقوقی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی قانون اساسی امکان پذیر نخواهد بود و قانون اساسی بدون نهادی صیانت کننده، به متنی ایدئولوژیک، آرمانی و دست نیافتنی مبدل خواهد شد (موسی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: مقدمه). و به عبارت دیگر دادرسی اساسی را می‌توان به مجموعه نهادها و ساز و کارهایی اطلاق کرد که غایت آنها تضمین احترام و برتری قانون اساسی است (گرچی، ۱۳۸۷: ۱۶۱).

در خصوص اعمال دادرسی اساسی در ایتالیا باید اظهار داشت که این امر توسط یک نهاد خاص قضایی انجام می‌پذیرد و وظیفه اصلی این نهاد بررسی انطباق قوانین

عادی با قانون اساسی است، در عین حال که کارویژه‌های مهم دیگری را نیز بر عهده دارد. لازم به ذکر است که دادرسی اساسی به روش «کنترل قضایی» ممکن است به دو صورت اعمال گردد: در یک حالت ممکن است دادگاه خاصی با شرایط و تشریفات ویژه‌ای متکفل این مسأله شود و در حالت دیگر تمام محاکم کشور صلاحیت بررسی انطباق و عدم انطباق قوانین با قانون اساسی را دارند (موسی زاده و همکاران، ۱۳۸۹: مقدمه) که در کشور ایتالیا نهاد «دادگاه قانون اساسی» به عنوان مرجع خاص قضایی وظیفه مهم دادرسی اساسی را بر عهده دارد و در این نوشتار به تبیین و توضیح نهاد مزبور و کارویژه‌های آن پرداخته خواهد شد.^(۲۶)

۱. پیشینه دادگاه قانون اساسی ایتالیا

دادگاه قانون اساسی نهاد نسبتاً جدیدی است که مشابه آن قبل از قانون اساسی ۱۹۴۷ میلادی ایتالیا وجود ندارد. این نوع نظارت قانونی برای اولین بار در دهه ۱۹۲۰ میلادی بر اساس نظریه‌های حقوقدان مشهور اتریشی، هانس کلسن^(۲۷) شکل گرفته است و بدین ترتیب نیز بعد از جنگ جهانی دوم، اشکال متفاوت دادگاه قانون اساسی در قوانین اساسی کشورهای اروپای شرقی و شوروی سابق به گونه‌ای در نظر گرفته شد.^(۲۸) توضیح بیشتر آنکه، در ابتدا مفهوم «حکومت قانون» مانع پذیرش این اندیشه بود که نهاد دیگری غیر از پارلمان، امکان بررسی قوانین را بر عهده داشته باشد و از اعمال یک ماده قانونی به این دلیل که مخالف قانون اساسی است جلوگیری کند. قرن بیستم، دوره‌ای است که با جنگ‌ها، تجارب سیاسی اقتدارگرایان و سرکوب نهادهای دموکراتیک سیاسی همراه بوده و متعاقب چنین تجربه‌ای، صیانت از حقوق اساسی و اندیشه اعمال کنترل حتی بر پارلمان، جای خود را در قوانین اساسی پیدا نموده است. از یک سو این اعتقاد وجود داشت که نهادهای عادی قضایی قادر نیستند چنین نظارتی را انجام دهند، چرا که این نهادها به وجود آمده‌اند تا قوانین را اعمال کنند، نه اینکه در مورد آنها به قضاوت بنشینند و از سوی دیگر نیز امکان تفویض دادرسی اساسی به همان پارلمانی که قانون را تصویب نموده معقول و منطقی نمی‌نمود. بنابراین، تصمیم بر این گرفته شد که دادگاه خاصی مستقل از شاخه‌های سیاسی، با اعمال رویه‌های قضایی و متشکل از کارشناسان حقوقی منتخب پارلمان یا دیگر نهادهای برتر دولتی بر این امر اختصاص یابد (Quaranta, 2012: 16-17).

در عین حال، هر چند قانون اساسی جدید سال ۱۹۴۷ ایتالیا نهاد دادگاه قانون اساسی را پیش بینی نمود، اما این نهاد به دلیل مشکلات سیاسی^(۲۹) در انتخاب قضات در سال ۱۹۵۶ تأسیس یافت. بدین ترتیب ایتالیا در طی این دوره (۱۹۴۷-۱۹۵۶) سیستم غیر متمرکز دادرسی اساسی را تجربه نمود که در آن دادگاه‌های عادی از اعمال قوانینی که آنها را خلاف قانون اساسی تشخیص می‌دادند، خودداری می‌نمودند و این تجربه نیز به خاطر عدم تمایل قضات دادگاه‌های عادی و اداری به اجرای اصول قانون اساسی جدید به طور قابل توجهی مورد انتقاد قرار گرفت (Gianluca, 2008: 3).

۲. ساختار شکلی دادگاه قانون اساسی ایتالیا

مواد ۱۳۴ تا ۱۳۷ قانون اساسی ایتالیا چارچوب کلی دادگاه قانون اساسی را مشخص می‌کند و قوانین بنیادین ۱۱ مارس ۱۹۵۳ (شماره ۱) و ۹ فوریه ۱۹۴۸ (شماره ۱) و قانون موضوعه ۱۱ مارس ۱۹۵۳ (شماره ۸۷) به تبیین وضعیت حقوقی و چگونگی کارکرد دادگاه قانون اساسی می‌پردازند.^(۳۰) علاوه بر این، دادگاه قانون اساسی ایتالیا در سال ۱۹۵۶ رویه‌های رسیدگی خود را قبل از پذیرش پرونده‌ها اعلام نموده است (A. Alito, 1972: 13). دادگاه قانون اساسی ایتالیا به عنوان دادگاهی خاص و فارغ از گرایش‌های سیاسی، خارج از ساختار سلسله مراتبی دادگاه‌های عادی در پاسخ به نظریه «تمرکز در نظارت بر مطابقت قوانین با قانون اساسی» تشکیل شده است (Farrelly and H. Chan, 1957: 324).^(۳۱)

طبق اصل ۱۳۵ قانون اساسی ایتالیا، دادگاه قانون اساسی متشکل از ۱۵ قاضی می‌باشد که مشتمل بر قضات یا قضات بازنشسته بالاترین سطوح قضایی (دیوان عالی کشور، دیوان محاسبات و شورای دولتی)، اساتید حقوق و وکلای با حداقل بیست سال تجربه کاری می‌باشد.^(۳۲) ۵ قاضی توسط رأی اکثریت سه دادگاه عالی ایتالیا انتخاب می‌شوند: دیوان عالی کشور^(۳۳) به عنوان عالی‌ترین دادگاه عادی سه قاضی را انتخاب می‌نماید. دیوان محاسبات^(۳۴) به عنوان نهاد مستقل اداری و مالی که اعمال قوه مجریه در این خصوص را کنترل می‌نماید، یک قاضی را انتخاب کرده و شورای دولتی^(۳۵) نیز به عنوان نهاد مستقلی که بر پیش نویس صورت حساب‌ها و مصوبات نظارت می‌کند، یک قاضی را انتخاب می‌نماید. ۵ قاضی توسط رئیس‌جمهور معرفی می‌گردند و ۵ قاضی آخر نیز با رأی اکثریت اعضاء مجلسین که در این رابطه جلسه مشترکی را ترتیب می‌دهند، تعیین می‌شوند. نصاب اکثریت لازم در رابطه با رأی پارلمان، در سه رأی‌گیری اول

دو سوم و سپس سه پنجم می‌باشد که این مسأله برای اقلیت پارلمان به نوعی قدرت و تو ایجاد می‌نماید. این مسأله به وضوح در دوره نخست وزیری سیلیو برلوسکونی^(۳۶) مشاهده شده است، بدین ترتیب که دولت برلوسکونی یکی از وزرای سابق که از دولت دینی^(۳۷) عزل شده بود را به دادگاه قانون اساسی معرفی می‌نمود و جبهه چپ میانه نیز از رأی دادن به وی خودداری می‌کرد و نهایتاً پس از ماه‌ها وقفه، برلوسکونی مجبور به معرفی شخص دیگری شد (Ferrari, 2008: 194). هر قاضی نیز برای یک دوره نه ساله که قابل تمدید نمی‌باشد منصوب می‌گردد و پس از آن یا بازنشسته شده و یا به حرفه سابق خود باز می‌گردد. ریاست دادگاه قانون اساسی نیز با رأی اکثریت مطلق اعضا برای مدت سه سال انتخاب گشته که البته قابل تمدید می‌باشد (A. Alito, 1972: 13-15). لازم به ذکر است که برای تصمیمات قضایی حضور حداقل ۱۱ قاضی الزامی است و در خصوص تصمیمات غیر قضایی حضور ۹ قاضی مورد نیاز می‌باشد (Ferrari, 2008: 194).^(۳۸) و علاوه بر این، طبق بند ۳ ماده ۱۶ قانون شماره ۸۷ سال ۱۹۵۳ میلادی، تصمیمات دادگاه قانون اساسی باید توسط قضاتی صادر شود که در تمامی جلسات موضوع مربوط شرکت داشته‌اند.

ترتیبات متعددی نیز برای صیانت از استقلال قضات دادگاه قانون اساسی پیش بینی شده است: حقوق قضات باید به میزان و یا بالاتر از حقوق قضات عالی‌ترین سطح دادگاه‌های عمومی باشد؛ دادگاه قانون اساسی، خود در خصوص تمامی مسائل مرتبط با انتخاب یا انتصاب اعضای دادگاه تصمیم می‌گیرد؛ هیچ یک از قضات قابل عزل نمی‌باشند مگر با رأی دو سوم آراء دادگاه و تنها دلیل برای وقوع چنین امری نیز صرفاً ناتوانایی‌های جسمی یا ناکارآمدی قابل توجه در کار می‌باشد؛^(۳۹) قضات دادگاه قانون اساسی را نمی‌توان دستگیر نمود مگر با مجوز دادگاه که البته در خصوص جرائم بسار خطرناک خاص در این زمینه استثنائاتی وجود دارد. علاوه بر این، قضات تا زمانی که در دادگاه قانون اساسی اشتغال دارند از شغل یا موقعیت دیگری که مستلزم دریافت حقوق باشد ممنوع می‌باشند. همچنین جمع بین قضاوت در دادگاه قانون اساسی و ریاست دانشگاه، فعالیت سیاسی و خدمت در هیئت‌هایی که در چارچوب دادگاه‌ها تشکیل می‌شوند، امکان پذیر نمی‌باشد (A. Alito, 1972: 14).^(۴۰)

در واقع، پیش بینی چنین ترتیباتی بدین منظور بوده که از یک سو قضات دادگاه

قانون اساسی فراتر از احزاب سیاسی قرار گیرند و از فشارها و دخالت‌های سیاسی مصون بمانند و از سویی نیز قضات امکان اظهار آزادانه نظرات خود را بدون نیاز به توجیه آن در خارج از دادگاه داشته باشند که البته اصل ممنوعیت افشای نظرات فردی قضات به دلیل اینکه موجب عدم شفافیت می‌گردد، با انتقاد مواجه شده است (Tania, 2010, vol 4: 2-3).

لازم به ذکر است که دادگاه قانون اساسی ایتالیا دارای مقر رسمی و بودجه مستقل^(۴۱) می‌باشد و به طور مستقل در خصوص هزینه‌های خود تصمیم می‌گیرد.^(۴۲) علاوه بر این، ارگان‌های داخلی دادگاه قانون اساسی از هر گونه حسابرسی مالی آزاد می‌باشند. دادگاه مزبور برای انجام طیفی از فعالیت‌های خود از ساختارهای اداری پشتیبانی کننده برخوردار است؛ دفتر ثبت سوابق، کتابخانه، خدمات پژوهشی، بخش حسابداری، بخش خرید، بخش قراردادهای و بخش مدیریت نیروی انسانی از این قبیل می‌باشند. در مجموع در حدود ۳۵۰ کارمند تمام وقت در این دادگاه مشغول به فعالیت می‌باشند (Quaranta, 2012: 27).

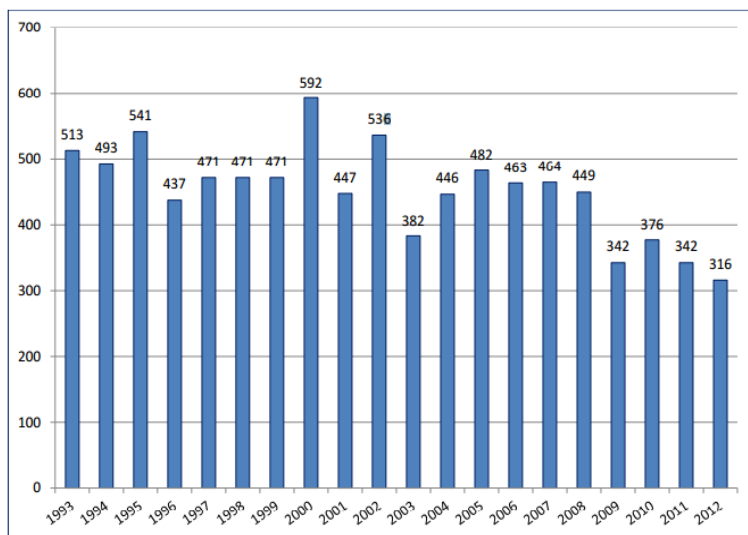
۳. صلاحیت‌های دادگاه قانون اساسی ایتالیا

طبق اصل ۱۳۴ قانون اساسی ایتالیا، دادگاه قانون اساسی از اختیارات ذیل برخوردار می‌باشد:^(۴۳)

- ۱- بررسی مطابقت قوانین با قانون اساسی؛
- ۲- حل و فصل تعارضات اختیارات بین دستگاه‌های دولتی، بین دولت و ایالات، و میان ایالات؛
- ۳- رسیدگی به اتهامات وارده به رئیس‌جمهور؛
- ماده ۲ قانون شماره ۱ مارس ۱۹۵۳ نیز اختیار دیگری را فراتر از آنچه در قانون اساسی ذکر شده، به دادگاه قانون اساسی اعطا نموده است:
- ۴- رسیدگی به درخواست‌های فراندوم به منظور لغو کامل یا قسمتی از یک قانون یا حکمی که قدرت قانونی دارد که به موجب ماده ۷۵ قانون اساسی تعداد ۵۰۰ هزار نفر رأی دهنده یا پنج شورای ایالت خواستار آن می‌باشند.
- ۵- تفسیر قانون اساسی.

لازم به ذکر است که دادگاه قانون اساسی ایتالیا از سال ۱۹۵۶ میلادی تاکنون هزاران تصمیم در خصوص موضوعات فوق‌الذکر صادر نموده است که بخشی از

میزان تصمیمات مزبور در نمودار ذیل قابل مشاهده می‌باشد:



نمودار تصمیمات سالیانه دادگاه قانون اساسی ایتالیا (۱۹۹۳-۲۰۱۳)

۳-۱. بررسی مطابقت قوانین با قانون اساسی

اولین و مهمترین وظیفه دادگاه قانون اساسی «بررسی انطباق قوانین و مقررات قانونی با قانون اساسی» می‌باشد. طبق اظهار نظر دادگاه قانون اساسی، «قانون» مشتمل بر قوانین مصوب پارلمان، مصوبات تقنینی دولت که با تفویض اختیار از سوی پارلمان صورت پذیرفته^(۴۴) و قوانین موضوعه ایالات می‌باشد.^(۴۵) بر همین اساس مصوبات فرعی مانند مقررات اداری توسط دادگاه قانون اساسی مورد رسیدگی قرار نمی‌گیرند و دادگاه‌های عادی به این امر می‌پردازند (Quaranta, 2012: 27). علاوه بر این، رسیدگی به قوانینی که حتی قبل از قانون اساسی سال ۱۹۴۷ میلادی لازم الاجراء گشته‌اند نیز مندرج در صلاحیت دیوان می‌باشد (Ferrari, 2008: 195).^(۴۶)

قانون بنیادین شماره ۱ سال ۱۹۴۸ و نیز مجلس مؤسسان قانون اساسی ایتالیا در مورد شروع رسیدگی توسط دادگاه قانون اساسی بدین صورت اظهار نظر کرده‌اند که این دادگاه نمی‌تواند مستقلاً به رسیدگی مبادرت ورزد و هرگونه رسیدگی باید توسط درخواست یکی از قضات عادی که درصدد اعمال قانونی که در جریان رسیدگی به

دعوی به آن استناد نموده است، صورت پذیرد و در این رابطه صِرف «تردید» قاضی در مطابقت قانون مطرح با قانون اساسی برای ارجاع موضوع به دادگاه قانون اساسی کفایت می‌کند؛ به دیگر عبارت، قاضی برای ارجاع موضوع به دادگاه قانون اساسی نیازی به متقاعد شدن در خصوص وجود عدم مطابقت ندارد. این نوع از دادرسی اساسی به عنوان دادرسی ضمنی یا اتفاقی^(۴۷) شناخته می‌شود که در آن مسأله مورد نظر به سهولت و به طور مستقیم در دادگاه قانون اساسی مطرح نمی‌شود، بلکه دعوی در حال جریان باید در جریان باشد که در آن دعوی نیز قاضی دادگاه درصدد اعمال قانونی است و نسبت به عدم مطابقت آن قانون با قانون اساسی در تردید می‌باشد.^(۴۸)

حال، چنین درخواستی باید موارد چهارگانه ذیل را تبیین نماید: (Ferrari, 2008: 198)

الف) ماده مندرج در قانون اساسی که به نظر نقض شده است؛

ب) قانون موضوعه‌ای که ادعا شده با قانون اساسی مطابقت ندارد؛

ج) دلایلی که طرح این مسأله را وارد دانسته است؛

د) دلایلی که تبیین می‌کند مسأله مطرح شده به وضوح بی‌اساس^(۴۹) نبوده و در دعوی مطروحه تأثیرگذار می‌باشد.

از سوی دیگر، فرآیند مندرج در ماده ۱۲۷ قانون اساسی ایتالیا^(۵۰) برای ایالات نیز قابل استفاده می‌باشد و به واسطه آن هر کدام می‌تواند ادعای خود مبنی بر عدم مطابقت قانون ایالت دیگر با قانون اساسی را به دادگاه قانون اساسی مطرح کند. حال در صورتی که دادگاه قانون اساسی قانونی را مغایر قانون اساسی اعلام نماید، پس از انتشار تصمیم دادگاه قانون اساسی، اثر اجرایی قانون مزبور از بین می‌رود و این مسأله نه تنها در خصوص موضوع و پرونده مطرح شده بلکه به طور کلی در همه موضوعات مشابه (فاورو، ۱۳۸۷: ۱۱۸) اثرگذار بوده و قطعی تلقی می‌گردد.

لازم به ذکر است که درخواست رسیدگی به ادعای عدم مطابقت قوانین عادی با قانون اساسی از سوی طرفین دعوا (یا نمایندگان ایشان) نیز قابل طرح می‌باشد. البته در چنین فرضی قاضی پرونده ملزم است در وهله اول وارد بودن طرح مسأله مزبور را بررسی کرده و در وهله بعد نیز، تأثیرگذاری رسیدگی به عدم مطابقت قانون با قانون اساسی را تعیین نماید (Quaranta, 2012: 27).

۳-۲. حل و فصل تعارضات اختیارات بین دولت و ایالات و ایالات با یکدیگر و نیز بین دستگاه‌های دولتی

اولین تجربه منطقه‌گرایی در ایتالیا به سال ۱۹۴۶ میلادی و ایالت سیسیلی^(۵۱) مربوط است که قانون مصوب دولت به شماره ۴۵۵ در سال ۱۹۴۶ میلادی،^(۵۲) قدرت قابل ملاحظه‌ای از قبیل اختیارات قانونگذاری، استقلال مالی و... را به ایالت مزبور اعطا نمود (Panjo, 2009: 627). در قانون اساسی سال ۱۹۴۷ میلادی نیز منطقه‌گرایی برای ۱۵ ایالت عادی مورد پذیرش قرار گرفته است^(۵۳) و در واقع پارلمان ایتالیا در پایان دوره مجلس قانونگذاری سیزدهم قانون بنیادین شماره ۳ سال ۲۰۰۱ میلادی^(۵۴) را به تصویب رساند و بخش‌هایی از قانون اساسی که به روابط دولت و ایالات مربوط بود (مواد ۱۱۴ تا ۱۳۳ قانون اساسی) را اصلاح نمود.^(۵۵)

۳-۲-۱. حل و فصل تعارضات اختیارات بین دولت و ایالات و ایالات با یکدیگر

یکی دیگر از راه‌های ارجاع قانون به دادگاه قانون اساسی برای دادرسی اساسی در صورتی است که بین ایالات و دولت مرکزی اختلاف مطابقت قانون اساسی به وجود آید. در این حالت، دولت می‌تواند به طور مستقیم علیه قانون ایالت درخواست بررسی عدم مطابقت با قانون اساسی دهد و در مقابل نیز یک ایالت می‌تواند علیه قانون ملی و یا قانون به تصویب رسیده ایالت دیگر چنین درخواستی را اقامه کنند. در این نوع دعاوی نیز قواعد حاکم بر رسیدگی، رویه‌ها، تصمیمات و آثار آنها به همان ترتیبی است که در خصوص دیگر درخواست‌ها وجود دارد.

ساز و کار متفاوت دیگر در این رابطه، درخواست بررسی تجاوز از حدود اختیارات دولت مرکزی یا هر یک از ایالات می‌باشد که چنین درخواست‌هایی در خصوص اعمال اداری، اعمال قضایی و... به دادگاه قانون اساسی ارجاع می‌گردند. در واقع ایالتی که ادعا می‌کند دولت یا ایالت دیگر از حدود اختیارات قانونی خود تجاوز نموده، می‌تواند درخواست رسیدگی به این مسأله را از دادگاه قانون اساسی بخواهد. دولت مرکزی نیز، به نوبه خود از چنین اختیاری برخوردار می‌باشد. در چنین مواردی، دادگاه قانون اساسی تصمیم خود را این گونه اعلام می‌دارد که قانون مزبور چگونه بدون ورود به حوزه صلاحیت قسمت دیگر باید اعمال گردد و نهایتاً نیز ممکن است عمل غیر قانونی مزبور را ملغی اعلام نماید (Quaranta, 2012: 37).

۳-۲-۲. حل و فصل تعارضات اختیارات بین دستگاه‌های دولتی

اگر یکی از دستگاه‌های دولتی ادعا نماید که اختیار قانونی آن توسط دستگاه دیگری نقض شده است، مسأله به دادگاه قانون اساسی ایتالیا ارجاع می‌گردد. در ابتدا این نوع از دعاوی به بدنه قضایی حکومت محول نمی‌گشت و راه‌حل‌های سیاسی برای آن اندیشیده می‌شد، اما از آنجا که دادگاه قانون اساسی برای تضمین اعمال منصفانه قواعد حاکم بر تفکیک اختیارات طراحی شده است، چنین مواردی نیز به دادگاه قانون اساسی واگذار می‌گردند.

لازم به ذکر است که اختلاف مزبور ممکن است بین یک دستگاه قضایی و یکی از مجلسین، بین یکی از وزراء و یکی از مجلسین، بین دولت و دادستان عمومی و... به وجود آید. حتی ممکن است در این رابطه بین دادگاه قانون اساسی و دستگاه دیگر اختلافی پدید آید که در چنین مواردی، از آنجا که نهاد سوّم دیگری برای داوری وجود ندارد، دادگاه به طور همزمان به عنوان داور و نیز یکی از طرفین دعوی عمل می‌نماید (Quaranta, 2012: 38).

۳-۳. رسیدگی به اتهامات وارده به رئیس‌جمهور

طبق ماده ۹۰ قانون اساسی ایتالیا^(۵۶) رئیس‌جمهور مسئولیتی در مقابل اجرای وظایف خود ندارد مگر آنکه مرتکب خیانت به میهن یا تعدی به قانون اساسی گردد. به عبارت دیگر، صرفاً دو جرم اخیر عناوین مجرمانه رئیس‌جمهور می‌باشند. «اعلام جرم رئیس‌جمهور» باید از پارلمان نشئت گیرد و در نشست مشترک مجلسین رأی اکثریت اعضا را به خود اختصاص دهد که در صورت رأی به وارد بودن اتهام به رئیس‌جمهور، این مسأله طی دو روز به همراه مدارک و شواهد موجود به دادگاه قانون اساسی ارجاع می‌شود. طی دو روز دیگر، ریاست دادگاه به بررسی اتهام یا اتهامات وارده و شواهد پیوستی آن اقدام کرده و پس از خاتمه بررسی، ریاست دادگاه قانون اساسی بیست روز برای تعیین زمان دادرسی مهلت دارد و در تاریخ تعیین شده جهت دادرسی، به موجب ماده ۱۳۵ قانون اساسی ایتالیا^(۵۷) علاوه بر قضات دیوان قانون اساسی، ۱۶ نفر نیز به حکم قرعه از اعضای مندرج در فهرست شهروندان واجد شرایط سناتوری که پارلمان هر نه سال یک بار با همان ترتیب و شرایط ویژه انتخاب قضات عادی گردآوری می‌کند، در جلسات دادگاه قانون اساسی شرکت می‌نمایند و

بدین ترتیب نیز حد نصاب لازم برای تشکیل جلسه دادرسی حضور ۲۱ نفر از اعضا می‌باشد که اکثریت آن باید با اعضا اضافه شده مربوطه باشد و اگر قضات در یکی از جلسات حاضر نباشند، از حضور در جلسه نهایی تصمیم‌گیری محروم خواهند شد. در نهایت نیز اگر اکثریت مزبور به اتهام وارد آمده رأی دهد، اتهام مزبور اثبات می‌گردد. رأی دادگاه قانون اساسی در این خصوص قطعی و غیر قابل فسخ می‌باشد و در عین حال اگر حقایق و مدارک جدیدی برای اثبات بی‌گناهی به دست آید، در رأی صادره تجدید نظر صورت می‌پذیرد (Farrelly and H. Chan, 1957: 324-325). (۵۸ و ۵۹)

۳-۴. رسیدگی به درخواست همه‌پرسی

ماده ۷۵ قانون اساسی ایتالیا در خصوص شرایط اعلام همه‌پرسی تعیین تکلیف نموده است و یکی از شروط آن را درخواست پانصد هزار نفر از شهروندان یا پنج شورای ایالتی در رابطه با برگزاری همه‌پرسی برای لغو کلی یا جزئی یک قانون، مطرح نموده است که در ذیل این ماده نحوه اجرای همه‌پرسی به قانون عادی واگذار شده است. بر همین اساس ماده ۲ قانون شماره ۱ مارس ۱۹۵۳ میلادی، دادگاه قانون اساسی را مرجع ذی‌صلاح برای اظهارنظر در خصوص امکان‌پذیر بودن برگزاری همه‌پرسی عنوان کرده است. (۶۰)

در ابتدا این تصور وجود داشت که نقش دادگاه قانون اساسی صرفاً به چهار مورد مذکور در ماده ۷۵ قانون اساسی^(۶۱) (قوانین مالیاتی، قوانین بودجه، عفو و بخشودگی و تخفیف مجازات و تصویب معاهدات بین‌المللی) محدود است و دادگاه قانون اساسی فقط بررسی می‌نماید که در این موارد مراجعه به همه‌پرسی صورت نپذیرد. اما دادگاه قانون اساسی در رأی شماره ۱۶ سال ۱۹۷۸ میلادی اعلام داشت که علاوه بر موارد مندرج در ماده ۷۵ قانون اساسی، ممکن است موارد دیگری از اصول مربوط به قانون اساسی و ماهیت همه‌پرسی مورد استنباط قرار گیرند که امکان مراجعه به همه‌پرسی در آنها نیز وجود نداشته باشد (Quaranta, 2012: 38).

در خصوص روند اجرای همه‌پرسی نیز لازم به ذکر است که درخواست‌های ارائه شده تا تاریخ ۳۰ سپتامبر هر سال، تا ۲۰ ژانویه سال بعد توسط دادگاه قانون اساسی مورد بررسی قرار می‌گیرند و در صورت پذیرش درخواست توسط دادگاه قانون اساسی، رای‌گیری بین ۱۵ آوریل تا ۱۵ ژوئن همان سال صورت می‌پذیرد.

۳-۵. تفسیر قانون اساسی

یکی دیگر از وظایف دادگاه قانون اساسی ایتالیا تفسیر قانون اساسی می‌باشد که البته به طور تبعی و در جریان رسیدگی به درخواست قضات در خصوص عدم مطابقت قوانین با قانون اساسی صورت می‌پذیرد.^(۶۲) توضیح آنکه دادگاه قانون اساسی به هنگام مواجهه با درخواست‌های رسیدگی به مطابقت قوانین با قانون اساسی با توجه با مقتضیات حاکم، برداشت خود را از اصول قانون اساسی ابراز می‌نماید. به عنوان مثال، دادگاه قانون اساسی در سال ۱۹۶۱ میلادی درخواست بررسی عدم مطابقت قانونی که ارتکاب زنای محصنه توسط زنان^(۶۳) را به عنوان جرم جنائی معرفی نمود و برای آن به تعیین مجازات پرداخت، با تصمیم شماره ۶۴/۶۱ دادگاه قانون اساسی رد کرد (مغایر با قانون اساسی شناخته نشد). اما درخواست بررسی قانون مزبور در سال ۱۹۶۸ در دادگاه قانون اساسی قبول شده و طبق رأی شماره ۶۸/۱۲۶ با این استدلال که اخلاق و تساوی حقوقی میان همسران را نقض می‌کند، مغایر ماده ۳ و ماده ۲۹ قانون اساسی شناخته شد. به عبارت دیگر، تفسیر متفاوت دادگاه قانون اساسی از مواد قانون اساسی منجر به صدور دو رأی کاملاً متفاوت گشته است. البته لازم به ذکر است که قضات دادگاه‌های عادی نیز تفسیر خود از قانون اساسی را اعمال می‌کنند و چنانچه موضوع به دادگاه قانون اساسی ارجاع داده شود، تفسیر دادگاه قانون اساسی از قانون اساسی معتبر و لازم‌الاتباع خواهد بود (Quaranta, 2012: 35).

۴. محدودیت‌های وارده بر صلاحیت‌های دادگاه قانون اساسی

در مقایسه با دیگر مدل‌های دادرسی اساسی، محدودیت‌هایی بر صلاحیت‌های دادگاه قانون اساسی ایتالیا وجود دارد: از یک سو دادگاه قانون اساسی ایتالیا برخی صلاحیت‌ها را به عنوان یک نهاد سیاسی دارا نمی‌باشد؛ به عنوان مثال در بسیاری از نظام‌های حقوقی، دادگاه قانون اساسی اختیاراتی در رابطه با مسائل انتخابات، نظارت بر احزاب سیاسی و... بر عهده دارد. از سوی دیگر نیز در رابطه با مهمترین صلاحیت دادگاه قانون اساسی در رسیدگی به مطابقت قوانین و مقررات با قانون اساسی، محدودیت‌هایی در خصوص مواد ۱۳۴ تا ۱۳۷ قانون اساسی، قانون بنیادین شماره ۱ مصوب سال ۱۹۴۸ میلادی و قانون شماره ۸۷ سال ۱۹۵۳ میلادی وجود دارد:

۴-۱. محدودیت در شیوه ارجاع

نخست آنکه، دستیابی به رسیدگی اساسی تا حدی محدود شده است: نظام حقوقی ایتالیا صرفاً «دادرسی غیر مستقیم»^(۶۴) را پیش بینی نموده است که به طور عمده از دادرسی قضایی جداگانه‌ای ناشی می‌شود. در واقع، نخستین وهله در دادرسی اساسی به قضاات عادی مربوط است که لزوم ارجاع موضوع به دیوان را تشخیص می‌دهند. فرآیند رسیدگی در دیوان با صدور «درخواست گواهی» از سوی قاضی آغاز می‌شود که به موجب آن، قاضی تمام اقدامات خود را تعلیق نموده و مسأله مربوطه را به دیوان قانون اساسی ارجاع می‌دهد و در این درخواست باید ارتباط و نیز معقول بودن ادعای مزبور را در خصوص نقض قانون اساسی، مطرح نماید (Groppi, 2010, vol 4: 103) و بدین ترتیب، این دادرسی صرفاً از طریق ارجاع قضاات دادگاه‌های عادی و در جریان یک دعوی قابل طرح می‌باشد.

همچنین در خصوص «دادرسی مستقیم» بر طبق ماده ۱۲۷ قانون اساسی^(۶۵) ایتالیا طریقی در نظر گرفته شده که این روش نیز تا حدی محدود است. در این رابطه، دادرسی مستقیم صرفاً ابزاری جهت تضمین تفکیک اختیارات میان دولت و ایالات می‌باشد (Groppi, 2010, vol 4: 103). در واقع، دولت می‌تواند با رعایت شرایط ذیل قوانین ایالتی را پیش از انتشار آنها، به دیوان قانون اساسی ارجاع دهد: اگر نماینده دولت تشخیص دهد که یک قانون ایالت از «حدود صلاحیت‌های ایالت تجاوز نموده» یا «مخالف با منافع ملی یا منافع دیگر ایالت‌ها» ست، می‌تواند آن را به شورای ایالت تصویب کننده عودت دهد. در صورتی که شورای ایالت با اکثریت مطلق آرا بر نظر پیشین خود اصرار ورزد، نخست وزیر می‌تواند تا ۱۵ روز پس از اطلاع از اصرار شورای ایالت بر رأی پیشین خود، به دیوان قانون اساسی شکایت کند. این شکایت، تعلیقی است و دیوان نیز مهلتی برای صدور حکم ندارد. دیوان می‌تواند شکایت مطرح شده را رد کرده یا پس از یک بحث توافقی (با حضور دولت و ایالت مورد بحث) به ابطال قانون مورد شکایت مبادرت ورزد (فاورو، ۱۳۸۷: ۱۱۵). و بدین صورت تنها نهادی که امکان ارجاع موضوع به دیوان را دارد، نماینده دولت است و دادرسی دیوان از این جهت با محدودیت مواجه می‌باشد.

۲-۴. محدودیت در صلاحیت بررسی

محدودیت دوم آنکه دادرسی اساسی منحصرأ به «قوانین»^(۶۶) اختصاص یافته و شامل مقررات اداری یا تقویضی نمی‌گردد و این گونه مقررات توسط دادگاه‌های عادی مورد نظارت قرار می‌گیرند (Groppi, 2010, vol 4: 103). علاوه بر این، طبق ماده ۲۷ قانون شماره ۸۷ مصوب سال ۱۹۵۳ میلادی، صلاحیت اظهار نظر دیوان قانون اساسی محدود به موارد مطرح شده در شکوائیه یا قرار احاله می‌باشد و دیوان نمی‌تواند فراتر از موضوع مورد درخواست دادرسی نماید. در عین حال، در ماده مزبور بر این محدودیت، استثنائی وارد گشته است که مطابق آن دیوان می‌تواند دایره ابطال را به مقرراتی تسری دهد که «در نتیجه رأی دیوان، مشروعیت اساسی خود را از دست می‌دهند».^(۶۷) البته لازم به ذکر است که دیوان قاعده مطرح شده را مورد تقلیل و تصحیح قرار داده و در همین راستا با نوعی تفسیر موسع نسبت به شکوائیه یا قرار احاله برخورد می‌نماید، یعنی به صورت کاملاً دقیق خود را مقید به مقررات و قواعد مورد استناد طرفین یا استدلال‌های مطروحه در شکوائیه یا قرار احاله نمی‌کند (فاورو، ۱۳۸۷: ۱۱۹-۱۱۸).

۳-۴. محدودیت در آثار

محدودیت سوم نیز اینکه صرفاً طیف محدودی از تصمیمات دیوان فرایند دادرسی اساسی را حل و فصل می‌نماید. توضیح آنکه، در دیوان قانون اساسی ایتالیا، آراء به دو صورت صادر می‌شوند: آراء پذیرش (ابطال)^(۶۸) و آراء رد.^(۶۹) مطابق ماده ۱۳۶ قانون اساسی ایتالیا^(۷۰) صرفاً آراء پذیرش (ابطال) دارای اعتبار امر مختومه می‌باشند و بدین ترتیب مقرراتی که مغایر قانون اساسی اعلام شوند، از فردای انتشار رأی دیوان فاقد اثر حقوقی تلقی می‌شوند. در عین حال آراء رد، فاقد اعتبار امر قضاوت شده می‌باشند و فقط بین طرفین دعوی دارای اثر می‌باشد. در نتیجه پس از رأی رد یک موضوع توسط دیوان قانون اساسی، قاضی اصلی یا مقام صلاحیت دار دیگر مجدداً می‌تواند همان موضوع را به همان دلیل یا دلیل دیگر مطرح نماید (Groppi, 2010, vol 4: 103).

۵. انواع تصمیمات دیوان قانون اساسی

تصمیمات دیوان در دو دسته عمده قابل تقسیم‌بندی می‌باشند: آراء و دستورات.^(۷۱) «رأی» تصمیم نهایی و غیر قابل تجدید نظر دیوان است که به فرآیند دادرسی دیوان خاتمه می‌دهد و به دو دسته آراء پذیرش (ابطال) و آراء رد تقسیم می‌شود؛ در عین حال، «دستور» فاقد چنین خصیصه‌هایی می‌باشد. علاوه بر موارد مذکور، طبقه‌بندی‌های دیگری نیز از تصمیمات دیوان وجود دارد که به شرح ذیل می‌باشند:

۵-۱. رأی به عدم پذیرش^(۷۲)

این تصمیم زمانی صادر می‌شود که دادگاه شرایط پیش‌بینی شده برای تصمیم‌گیری در خصوص ارجاع موضوع پرونده به دیوان قانون اساسی را رعایت ننموده است (Ferrari, 2008: 201). به عبارت دیگر، دیوان در صورتی رأی عدم پذیرش را صادر می‌نماید که:

- الف) ادعای مغایرت با قانون اساسی از سوی مرجع ذی صلاح طرح نشده باشد.
- ب) شرایط شکلی طرح ادعای مغایرت از سوی دادگاه رعایت نشده باشد.
- ج) موضوع مورد نظر، قابل تجدید نظر توسط دیوان نباشد. به عنوان مثال، قانون مزبور با قانون اتحادیه اروپا در تضاد باشد که در این حالت قاضی موظف است از اجرای قانون داخلی جلوگیری نماید.
- د) دیوان ادعای مغایرت با قانون اساسی را به وضوح بی‌اساس تلقی نماید.

۵-۲. قبول و رد

همان‌طور که بیان گشت، این تصمیمات آرائی هستند که دیوان مسأله مغایرت با قانون اساسی را در خصوص آنها پذیرفته و ماده مورد بررسی را مغایر قانون اساسی اعلام می‌نماید و یا اینکه ادعای مزبور را رد کرده و به عدم مغایرت قانون با قانون اساسی حکم می‌نماید. در این رابطه آنچه حائز اهمیت است اینکه آراء رد صرفاً در همان موضوع مطروحه اثرگذار خواهد بود، در حالی که وقتی دیوان قانون اساسی قانونی را مغایر قانون اساسی اعلام می‌نماید، رأی مزبور اثری عام الشمول خواهد داشت. علاوه بر این، اصل قابل توجه در رأی صادره دیوان اینکه طبق تصریح ماده ۲۷ قانون شماره ۸۷ سال ۱۹۵۳ میلادی، رأی دیوان الزاماً باید حاوی تطابق کاملی با مسأله مطرح شده در دیوان باشد (Ferrari, 2008: 202). در عین حال، ماده مزبور استثنائی را

نیز بدین صورت وارد نموده که دیوان می‌تواند در نتیجه اعلام مغایرت با قانون اساسی، مواد دیگر قانونی که قاضی به دیوان ارجاع ننموده است نیز مغایر قانون اساسی اعلام نماید. علت آنکه با رأی دیوان که به صراحت قانونی را مغایر قانون اساسی عنوان نموده، مواد دیگر مربوط نیز به طور ضمنی ملغی الاثر تلقی می‌گردند.

۳-۵. آراء تفسیری^(۷۳)

این نوع از آراء بر مبنای تفاوت میان منطوق ماده و مفهوم آن شکل گرفته است. منطوق، متن مدون قانونگذاری شده است و مفهوم، معنایی است که قضات از ماده قانونی در مقام صدور حکم استنباط می‌کنند. بر همین اساس، دیوان قانون اساسی آراء تفسیری قبول و رد^(۷۴) صادر می‌نماید.

در صورتی که دیوان رأی تفسیری قبول صادر نماید، مغایرت ماده مطرح شده با قانون اساسی را بر مبنای فرآیند استدلالی خاص اعلام می‌نماید و در واقع بیان می‌دارد که دیوان نسبت به اینکه یکی از مفاهیم متصور از ماده مغایر قانون اساسی نباشد، متقاعد گشته اما آنچه در عمل واقع شده این است که توسعه معنایی اعطا شده به ماده خلاف قانون اساسی است و دیوان نیز در نتیجه قانون را مغایر قانون اساسی اعلام می‌نماید و در خصوص آراء تفسیری رد برعکس مطالب فوق‌الذکر صادق خواهد بود (Ferrari, 2008: 203). به عبارت دیگر، معنایی که از سوی قاضی به ماده اعطا گشته است موجب چنین آرای می‌گردد؛ در واقع در رأی تفسیری قبول، دیوان معنایی را که به ماده اعطا شده منطبق بر قانون اساسی می‌داند، اما آنچه قضات در عمل به آن استناد می‌کنند قانون اساسی را نقض می‌نماید.

لازم به ذکر است آنچه اغلب واقع می‌شود این است که دیوان در ابتدا رأی تفسیری رد را ارائه می‌دهد و در ادامه به عدم مغایرت ماده مورد بحث با قانون اساسی رأی می‌دهد (Ferrari, 2008: 203).

۴-۵. آراء ساختگی^(۷۵)

بر خلاف آراء تفسیری، این آراء صرفاً در خصوص آراء قبول صادر می‌شوند. وجه تسمیه این آراء این است که دیوان قانون اساسی صرفاً به اعلام عدم مغایرت ماده مورد بحث نمی‌پردازد، بلکه به طریقی درصدد اصلاح یا ادغام ماده مزبور بر می‌آید (Ferrari, 2008: 203)؛ به عنوان مثال در دعوای مربوط به انحصار عمومی در رادیو و تلویزیون، دیوان تأیید

انحصار توسط قانونگذار را مغایر با قانون اساسی اعلام نمود و به صورت دقیق پیشنهاد کرد که چگونه و با چه محتوایی قانون جدیدی در خصوص انحصار تصویب شود تا مغایر قانون اساسی اعلام نگردد. دولت و قوه مقننه نیز ارشادات دیوان قانون اساسی را برای تدوین قانون جدید مورد توجه و عمل قرار دادند (فاورو، ۱۳۸۷: ۱۲۰).

مثال دیگر آنکه دیوان قانون اساسی در رأی شماره ۱۹۰ سال ۱۹۷۰ میلادی، ماده ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری را تا این حد که به وکیل مدافع اجازه حضور در زمان بازپرسی را نمی‌داد، مغایر قانون اساسی اعلام نمود و بدین طریق حذف و اصلاح این قسمت از ماده را که مغایر قانون اساسی است، اعلام نمود.

در بسیاری موارد، دادگاه قانون اساسی ادعای خلاف قانون اساسی بودن را که توسط قضات دادگاه‌ها اعلام می‌گردد، رد می‌نماید و این مسأله زمانی واقع می‌شود که دادگاه به نظر تفسیری خود از قانون اساسی اتکا نموده و در آن تا جایی که ممکن بوده سعی بر حمل قانون در تطابق با قانون اساسی ننموده است. بدین ترتیب هرچند دادگاه‌ها در تفسیر قوانین و اجرای آن آزادند، اما نمی‌توانند به تفسیر مخالف قانون اساسی تمسک کرده و آن را به اجرا درآورند.

۶. دیوان قانون اساسی ایتالیا و حمایت از حق‌ها و آزادی‌های بنیادین

حقوق گوناگونی از قبیل حقوق اقتصادی اجتماعی مورد حمایت دیوان قرار گرفته است و این حمایت به دو طریق صورت می‌پذیرد: در طریق نخست دیوان، حقوق مزبور را به عنوان شاخصه‌هایی برای تفسیر به کار می‌برد و در طریق دیگر نیز حقوق مزبور را به عنوان حقوق واقعی و مستقل در نظر می‌گیرد.^(۷۶) همچنین لازم به ذکر است که دیوان قانون اساسی ایتالیا با پذیرش نظارت بر قوانین مصوب در برهه پیش از تصویب قانون اساسی ۱۹۴۷ میلادی نقش بسیار حساسی را در زمینه پشتیبانی از حقوق بنیادین ایفا نموده است و در این راستا به تصفیه قوانین دوره فاشیسم و زدودن آثار شوم آنها پرداخت که بدین ترتیب ۸۰ درصد ابطال‌های اعلام شده در سال‌های ۱۹۵۶ تا ۱۹۷۹ میلادی مربوط به نقض آزادی‌های کلاسیک و حقوق دفاعی توسط قوانین مصوب در برهه مزبور می‌باشد (فاورو، ۱۳۸۷: ۱۲۲).

دیوان قانون اساسی ایتالیا در زمینه‌های مرتبط با صلاحیت خود نیز به حفظ ارتباط با دادگاه‌های بین‌المللی پرداخته است. یکی از این دادگاه‌ها، «دادگاه اروپایی حقوق بشر»^(۷۷)

است که دعوای فردی نقض حقوق بشر را مورد رسیدگی قرار می‌دهد^(۷۸) و این نوع رسیدگی با آنچه دیوان قانون اساسی ایتالیا تضمین می‌نماید، تفاوت عمده‌ای ندارد. تفاوت اصلی اینکه دیوان قانون اساسی ایتالیا صرفاً «قوانین» را بررسی نموده و در خصوص عدم مطابقت قوانین با قانون اساسی تصمیم‌گیری می‌نماید و حال آنکه دادگاه اروپایی حقوق بشر رسیدگی به نقض حقوق بشر را فارغ از وجود یک قانون، اجرای نادرست قانون و... بر عهده دارد (Quaranta, 2012: 53).

ماده ۱۰ قانون اساسی ایتالیا بیان می‌دارد که «نظام حقوقی ایتالیا در تطابق با اصول پذیرفته شده حقوق بین‌الملل می‌باشد...» و در عین حال ماده ۱۱ قانون مزبور نیز اعلام می‌دارد که «ایتالیا جنگ را به عنوان ابزار تجاوز به آزادی دیگر ملت‌ها و نیز به عنوان راه حل دعوای بین‌المللی مطرود می‌داند. ایتالیا به شرط دارا بودن شرایط مساوی با دیگر ملت‌ها، محدودیت‌هایی در حاکمیت خود رضایت می‌دهد که برای استقرار نظم تضمین‌کننده صلح و عدالت در میان ملت‌ها ضروری باشد. ایتالیا سازمان‌های بین‌المللی که چنین هدفی را تعقیب می‌کنند پیشنهاد و آنها را مساعدت می‌نماید». تفسیر این دو ماده توسط دکتربین حقوقی معمولاً بدین شکل بوده که قانون اساسی سال ۱۹۴۷ میلادی ایتالیا برای اجرایی نمودن معاهدات اتحادیه اروپا و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که به طور مستقیم بر نظام حقوقی ایتالیا اثر می‌گذارد، نیازی به اصلاح ندارد (Ferrari and Gambaro, 2008, vol 1: 6-8).

در عین حال نیز مطابق تصمیمات شماره ۳۴۸ و ۳۴۹ دیوان قانون اساسی ایتالیا، از سال ۲۰۰۷ میلادی قوانینی که در تضاد با دادگاه اروپایی حقوق بشر بوده‌اند، مغایر با قانون اساسی تلقی گردیده‌اند و البته لازم به ذکر است که بر همین اساس نیز ماده ۱۱۷ قانون اساسی ایتالیا توسط قانون بنیادین شماره یک در سال ۲۰۱۲ میلادی اصلاح شده است.^(۷۹)

مثالی که می‌توان در این خصوص بیان داشت، موضوع «نحوه جبران خسارت در سلب مالکیت خصوصی به منظور رعایت منافع عمومی» می‌باشد. ماده ۴۲ قانون اساسی ایتالیا در این خصوص بیان می‌دارد: «... سلب مالکیت خصوصی به منظور رعایت منافع عمومی، صرفاً و در مواردی که قانون پیش‌بینی می‌نماید و به شرط جبران خسارت امکان‌پذیر است...» و ماده ۳۷ مصوبه شماره ۳۲۷ دولت در سال ۲۰۰۱ میلادی^(۸۰) نیز نحوه جبران خسارت را بدین ترتیب مشخص نموده است: «... نیمی از جبران خسارت

بر اساس ارزش تجاری زمین مزبور و نیم دیگر بر اساس ارزش مالیاتی آن صورت می‌پذیرد.» که ارزش مالیاتی بسیار پایین‌تر از ارزش تجاری است و بدین ترتیب میزان جبران خسارت تا ۴۰٪ کاهش می‌یابد. از طرفی، دیوان قانون اساسی مصوبه مذکور را مغایر قانون اساسی تشخیص نداده است. در حقیقت، ماده ۴۲ قانون اساسی جبران خسارتی که دقیقاً مطابق میزان ارزش دارایی سلب مالکیت شده باشد را تضمین ننموده و در عین حال، جبران خسارت باید منصفانه و کافی باشد.

اما دادگاه اروپایی حقوق بشر در جریان رسیدگی به موضوعی در خصوص سلب مالکیت^(۸۱) به وجود نارسایی در رابطه با جبران خسارت در چارچوب نظام حقوقی ایتالیا اشاره می‌نماید و بدین ترتیب برای دیوان عالی ایتالیا امکان تجدید نظرخواهی از این مسأله در دیوان قانون اساسی فراهم می‌شود و متعاقب آن تصمیمات شماره ۳۴۸ و ۳۴۹ دیوان صادر می‌گردد که موضع کاملاً متفاوتی را در رابطه با قانون مزبور اخذ می‌نماید (Ferrari and Gambaro, 2008, vol 1: 6-8).

جمع‌بندی

ایجاد و تأسیس نهادهای عالی جهت تضمین رعایت اصول قانون اساسی و حقوق بنیادین اشخاص، نوآوری و ابتکار نظام‌های حقوقی معاصر به شمار می‌آید. در واقع، نتیجه منطقی اصل برتری قانون اساسی این است که باید مرجعی تعیین گردد تا صلاحیت بررسی قوانین عادی را داشته باشد و بتواند با تطبیق آن با قانون اساسی، نسبت به سازگاری این دو با هم، حکم صادر کند و در صورتی که آن را خلاف قانون اساسی تشخیص داد بطلان آن را اعلام کند و یا از تصویب آن جلوگیری به عمل آورد (موسی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: مقدمه).

قانون اساسی سال ۱۹۴۷ میلادی ایتالیا، نهاد دیوان قانون اساسی را به عنوان دادگاهی خاص و فارغ از گرایش‌های سیاسی، خارج از ساختار سلسله مراتبی دادگاه‌های عادی و در پاسخ به نظریه «تمرکز در نظارت بر مطابقت قوانین با قانون اساسی» ایجاد نموده که هدف اصلی آن صیانت از قانون اساسی و اعمال کنترل بر پارلمان می‌باشد.

رسیدگی دیوان قانون اساسی ایتالیا به صورت غیر مستقیم و به تبع و آن هم به واسطه ارسال درخواست رسیدگی توسط قاضی دادگاه عادی ضمن بررسی دعوی دیگری

صورت می‌پذیرد که اگر دیوان رأی به عدم مطابقت قانون با قانون اساسی دهد، قانون مزبور باطل اعلام شده و این بطلان نیز کلی و همیشگی است و نسبت به همه مصادیق آن مجری خواهد بود. در همین رابطه لازم به ذکر است که نظارت شورای نگهبان جمهوری اسلامی ایران بر خلاف دیوان قانون اساسی ایتالیا علی‌الاصول جنبه پیشینی^(۸۲) داشته و فراتر از آن اینکه مصوبات مجلس شورای اسلامی در مقام قانونگذاری بدون تأیید این شورا اعتبار قانونی نمی‌یابند.^(۸۳)

از دیگر وظایف و اختیارات دیوان قانون اساسی ایتالیا تفسیر قانون اساسی و نیز رسیدگی به درخواست همه‌پرسی برای لغو کلی یا جزئی یک قانون می‌باشد که مشابه این دو وظیفه برای شورای نگهبان نیز تعریف گشته است. درعین‌حال، صدور نظریات تفسیری توسط شورای نگهبان بر خلاف دیوان قانون اساسی به عنوان یک وظیفه اصلی به حساب آمده و صرفاً ضمن رسیدگی به درخواست بررسی عدم مطابقت قانون با قانون اساسی صادر نمی‌گردد. علاوه بر این، تأیید برگزاری همه‌پرسی توسط شورای نگهبان مطلق بوده و فقط به لغو کلی یا جزئی یک قانون محدود نمی‌گردد. در نهایت نیز از وجوه کاملاً متمایز کننده دیوان قانون اساسی و شورای نگهبان، رسیدگی به اتهامات وارده به رئیس‌جمهور و حل و فصل تعارضات اختیارات بین دولت و ایالات و ایالات با یکدیگر و نیز بین دستگاه‌های دولتی است که در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران به علت وجود ساختار متفاوت، شورای نگهبان دارای چنین وظایف و اختیاراتی نمی‌باشد.

جدول مقایسه‌ای بین نهاد شورای نگهبان جمهوری اسلامی ایران و دیوان قانون اساسی جمهوری ایتالیا

عناوین	ایتالیا	ایران
تعداد اعضا	۱۵ قاضی	۶ حقوقدان و ۶ فقیه
نحوه انتخاب اعضا	۵ قاضی با رأی اکثریت سه دادگاه عالی ایتالیا ۵ قاضی با انتخاب رئیس جمهور ۵ قاضی با رأی اکثریت اعضا مجلسین	۶ فقیه با انتخاب مقام رهبری ۶ حقوقدان با معرفی رئیس قوه قضائیه و انتخاب مجلس شورای اسلامی
مواد قانونی مربوطه	مواد ۱۳۴ تا ۱۳۷ قانون اساسی ایتالیا	اصول ۹۱ تا ۹۹ قانون اساسی ج.ا.ا.
مدت عضویت اعضا	۹ سال و غیر قابل تمدید	۶ سال و امکان عضویت مجدد
امکان عزل	با رأی دو سوم اعضا دیوان و صرفاً در موارد خاص ناتوانایی‌های جسمی	فقها توسط رهبری قابل عزلند. قانون در خصوص حقوقدانان ساکت است.
امکان عضویت یا مشاغل دیگر	ممنوع است.	غیر از سمت‌های آموزشی در دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی ممنوع می‌باشد.
صلاحیت‌ها	بررسی مطابقت قوانین با قانون اساسی حل و فصل تعارضات اختیارات بین دستگاه‌های دولتی، بین دولت و مناطق، و میان مناطق رسیدگی به اتهامات وارده به رئیس جمهور رسیدگی به درخواست رفتار دوم تفسیر قانون اساسی	تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با شرع و قانون اساسی نظارت بر انتخابات تفسیر قانون اساسی
شیوه دادرسی اساسی	روش کنترل قضایی	روش کنترل سیاسی
نحوه رسیدگی به مطابقت قوانین عادی با قانون اساسی	پسینی (در جریان رسیدگی به دعاوی قضایی و با درخواست قاضی دادگاه)	نظارت قانون اساسی: پیشینی (قبل از اعتبار قانونی یافتن مصوبات) نظارت شرعی: هم پیشینی و هم پسینی
نحوه شروع به تفسیر قانون اساسی	به طور تبعی و صرفاً در جریان رسیدگی به درخواست مطابقت قانون با قانون اساسی (در جریان رسیدگی قضایی)	به طور رسمی و با ارجاع مقام رهبری و یا درخواست رئیس جمهور، رئیس مجلس شورای اسلامی، رئیس قوه قضائیه و یا یکی از اعضای شورای نگهبان
اعتبار تصمیمات	در صورت رد عدم مطابقت قوانین با قانون اساسی فقط در همان موضوع و در صورت تأیید عدم مطابقت قوانین با قانون اساسی و دیگر صلاحیت‌ها عام الشمول و قطعی می‌باشد.	عام الشمول، قطعی و لازم الاجراء

یادداشت‌ها

1- Napoleonic rule and Roman law

۲- Victor Emmanuel : ویکتور امانوئل از سال ۱۸۴۹ لغایت ۱۷ مارس سال ۱۸۶۱ میلادی پادشاهی ایتالیا را بر عهده داشته است.

۳- Italian unification (Italian: il Risorgimento) : جنبشی سیاسی - اجتماعی در قرن ۱۹ است که در آن کشورهای مختلف شبه جزیره ایتالیا به دولت واحد ایتالیا تغییر یافتند.

۴- king of Sardinia : پادشاهی ساردینیا از اوایل قرن ۱۴ تا اواسط قرن ۱۹ عنوان دولتی در اروپا بوده است که امروزه به نام ایتالیا شناخته می‌شود.

5- Benito Amilcare Andrea Mussolini

6- Fascist regime of Italia

7- Parliamentary Republic System

8- The Italian Constituent Assembly (Italian: Assemblea Costituente della Repubblica Italiana)

9- The Fundamental Principles (Italian: Principi Fondamentali)

10- Rights and Duties of Citizens (Italian: Ordinamento della Repubblica)

11- Organisation of the Republic (Italian: Ordinamento della Repubblica)

۱۲- دموکراسی مستقیم در خصوص رفتارندوم برای لغو قوانین موجود و رد یا قبول اصلاحات قانون اساسی و نیز قوانین بنیادین پذیرفته شده است. دموکراسی مستقیم اغلب در سطوح محلی و ایالات ممکن می‌باشد.

13- Senate of the Republic

۱۴- مواد ۵۶ و ۶۰ قانون اساسی ایتالیا

15- Chamber of Deputies

۱۶- مواد ۵۷، ۵۸، ۵۹ و ۶۰ قانون اساسی ایتالیا

۱۷- ماده ۷۰ قانون اساسی ایتالیا

۱۸- ماده ۷۳ قانون اساسی ایتالیا

19- Laws 276 and 277 of 1993 (so-called Mattarellum)

20- proportional voting system

۲۱- به عنوان مثال، به دنبال استعفای سیلیو برلوسکونی نخست وزیر ایتالیا، به خاطر عدم توانایی در کنترل بحران بدهی ایتالیا در سال ۲۰۱۱، آقای ماریو مونت (Mario Monti) جایگزین وی شد. در دسامبر ۲۰۱۲، برلوسکونی قصد خود را در خصوص نیل به مقام نخست وزیری برای چهارمین بار اعلام نمود و متعاقب آن حزب وی، حمایت سیاسی (Political endorsement) خود را از کابینه مونت باز پس گرفت و مونت مجبور به اعلام استعفا گردید که طبق قانون اساسی ایتالیا الزامی است که انتخابات پارلمانی ظرف ۷۰ روز پس از انحلال پارلمان توسط رئیس‌جمهور صورت پذیرد و این مسأله در ۲۴ و ۲۵ فوریه ۲۰۱۳ میلادی تحقق یافت.

22- Legge 21 dicembre 2005, n. 270: Modifiche alle norme per l'elezione della Camera dei deputati e del Senato della Repubblica

۲۲- ماده ۸۷ قانون اساسی ایتالیا

۲۴- ماده ۸۳ قانون اساسی ایتالیا

25- Constitutional Court (Italian: Corte Costituzionale)

۲۶- در خصوص اعمال دادرسی اساسی در جمهوری اسلامی ایران باید اظهار داشت که این مهم توسط شورای نگهبان به عنوان یک نهاد خاص سیاسی انجام می‌پذیرد. انتخاب این روش به دلیل رعایت اصل تفکیک قوا، عدم دخالت هر قوه در قوه دیگر و هم‌سطح بودن سه قوه تقنینی، قضایی و اجرایی است. لذا نهادی که انطباق قانون عادی با قانون اساسی را بررسی می‌نماید، باید بالاتر از قوه مقننه باشد و از این‌رو، قوه قضاییه نمی‌تواند قوانین موضوعه را آن قوه را بررسی و کنترل نماید. کنترل سیاسی معمولاً نوعی کنترل نگهدارنده و بازدارنده است که از صدور قوانین مخالف با قانون اساسی مانع می‌شود و در نتیجه این روش یک نوع کنترل مقدم می‌باشد (موسی زاده و همکاران، ۱۳۸۹: مقدمه).

27- Hans Kelsen

28- West Germany (1949), France (1958), Portugal (1974), Spain (1978), Yugoslavia (1963) and...

۲۹- تعیین قضات دیوان به ویژه در خصوص انتخاب ۵ عضو توسط پارلمان، محصول توافق یا سازش سیاسی می‌باشد و در آغاز بن بستی در این رابطه به وجود می‌آید؛ چرا که حزب دموکرات مسیحی می‌بایست توافق سوسیالیست‌ها و کمونیست‌ها را به دست می‌آورد که این توافق تا ۳۰ نوامبر ۱۹۵۵ حاصل نشد. لازم به ذکر است که انتخاب دیگر اعضا با درجه کمتری از ملاحظات سیاسی انجام می‌شود (فاورو، ۱۳۸۷: ۱۱۲).

۳۰- در واقع، هر چند دادگاه قانون اساسی به طور مستقیم توسط قانون اساسی ایتالیا تأسیس گشته است، در عین حال این دادگاه پس از تصویب قوانین اجرایی لازم در سال‌های ۱۹۴۸ و ۱۹۵۳ میلادی قابلیت اجرا پیدا نمود.

۳۱- اصل نود و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز علت اصلی تشکیل شورای نگهبان را تطبیق مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت ذکر نموده است. اصل ۹۱ قانون اساسی بیان می‌دارد: «به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای ملی با آنها، شورایی به نام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می‌شود...».

۳۲- ذیل اصل ۹۱ قانون اساسی ترکیب شورای نگهبان جمهوری اسلامی ایران را مشخص می‌نماید: «۱... شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز. انتخاب این عده با مقام رهبری است. ۲- شش نفر حقوقدان، در رشته‌های مختلف حقوقی، از میان حقوقدانان مسلمانی که به وسیله رئیس قوه قضائیه به مجلس شورای ملی معرفی می‌شوند و با رأی مجلس انتخاب می‌گردند».

33- Corte di cassazione

34- Corte dei conti

35- Consiglio di Stato

36- Silvio Berlusconi

37- Dini government

۳۸- طبق ماده ۱۳ آیین نامه داخلی شورای نگهبان، جلسات شورای نگهبان با حضور ۷ نفر از اعضاء رسمی است، ولی اخذ آراء جز در موارد ضروری و یا حصول رأی لازم با حضور حداقل ۹ نفر خواهد بود. ماده ۱۴ آیین نامه مزبور نیز بیان می‌دارد: جلسات فقهاء با حضور چهار نفر رسمی است ولی اخذ رأی جز در موارد ضروری و یا حصول رأی لازم با حضور حداقل ۵ نفر خواهد بود.

۳۹- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در بند ۳ اصل ۱۱۰، مسأله عزل و استعفای «فقهای» شورای نگهبان را مطرح نموده است و در خصوص حقوقدانان شورای نگهبان سکوت کرده است. در عین حال، ماده ۱ آیین نامه داخلی شورای نگهبان موضوع استعفای اعضاى حقوقدان شورای نگهبان را مطرح کرده و نسبت به امکان عزل آنان سکوت اختیار نموده است.

۴۰- لازم به ذکر است که در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، قانون الحاق یک تبصره به قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوب ۱۳۷۳ (مصوب ۱۳۸۸/۴/۲۰ مجمع تشخیص

مصلحت نظام) مقرر داشته است: «عضویت همزمان کلیه اشخاص شاغل در هریک از قوای سه‌گانه و مؤسسات و سازمانهای تابعه آنها و شرکت‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام یا تصریح نام بوده و به هر مقدار از بودجه کل کشور استفاده می‌نمایند، در شورای نگهبان به جز مشاغل آموزشی موضوع تبصره ۱ و افراد موضوع تبصره ۸ قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوب ۱۳۷۳ به عنوان حقوقدان ممنوع است...». اصل ۱۴۱ قانون اساسی نیز، سمت‌های آموزشی در دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی را از ممنوعیت تعدد مشاغل کارمندان دولت مستثنی کرده است.

۴۱- بودجه دیوان قانون اساسی ایتالیا در سال ۲۰۱۲ میلادی در حدود ۵۲,۷ میلیون یورو بوده است.

۴۲- طبق ماده ۳ آیین نامه داخلی شورای نگهبان، شورا دارای سازمانی اداری می‌باشد که وظائف و اختیارات و نمودار تشکیلاتی آن با پیشنهاد دبیر شورا، به تصویب شورای نگهبان می‌رسد. در مورد اصلاحات و تغییرات نیز به همین ترتیب عمل می‌شود.

۴۳- در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران مطابق اصول ۴، ۷۲ و ۹۱ تا ۹۸ قانون اساسی، شورای نگهبان صلاحیت پاسداری از قانون اساسی و تضمین برتری آن را با کارکردهای ذیل بر عهده دارد:

وظیفه اول: تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با شرع و قانون اساسی؛
وظیفه دوم: نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آراء عمومی و همه‌پرسی؛
وظیفه سوم: تفسیر قانون اساسی.

44- delegated legislative decrees (Italian: decreti legislativi delegati)

۴۵- در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران علاوه بر مصوبات مجلس شورای اسلامی، تشخیص عدم مغایرت اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت با قانون اساسی و شرع که توسط دولت مورد تصویب قرار گرفته‌اند نیز طبق اصل ۸۵ قانون اساسی که مقرر می‌دارد «... در این صورت مصوبات دولت نباید با اصول و احکام مذهب رسمی کشور و یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیب مذکور در اصل نود و ششم با شورای نگهبان است. ...» بر عهده شورای نگهبان می‌باشد.

همچنین شایان ذکر است که طبق اصل ۹۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان و تشخیص عدم تعارض آنها با قانون اساسی بر عهده اکثریت همه اعضاء شورای نگهبان است.

۴۶- اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز از این جهت دارای اطلاق است و بنابراین قوانینی که قبل از تأسیس شورای نگهبان به تصویب رسیده‌اند، توسط شورا قابل رسیدگی می‌باشند. شورای نگهبان در نظریه تفسیری شماره ۱۹۸۳ مورخ ۱۳۶۰/۲/۸، خود به این مسأله اشاره نموده است. علاوه بر این در تأیید مسأله مذکور می‌توان به ماده ۴۱ دیوان عدالت اداری اشاره نمود که مقرر می‌دارد: «در صورتی که مصوبه به لحاظ مغایرت با موازین شرعی برای رسیدگی مطرح باشد، موضوع جهت اظهارنظر به شورای نگهبان ارسال می‌شود، نظر فقهای شورای نگهبان برای هیأت عمومی، لازم‌الاتباع است».

47- The “incidental” system of constitutional review

۴۸- طبق اصل ۹۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان فرستاده شود. شورای نگهبان موظف است آن را حداکثر ظرف ده روز از تاریخ وصول از نظر انطباق بر موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد و چنانچه آن را معایر ببیند برای تجدید نظر به مجلس بازگرداند. در غیر این صورت مصوبه قابل اجرا است.

49- Clearly Unfounded

۵۰- ماده ۱۲۷ قانون اساسی ایتالیا: هر قانونی که به تصویب شورای ایالت رسیده باشد، باید به اطلاع نماینده دولت برسد و وی قانون مزبور را باید در صورت عدم ایراد از سوی دولت، ظرف مدت ۳۰ روز پس از اطلاع، مورد تأیید قرار دهد. قانون ظرف مدت ۱۰ روز پس از این تأیید منتشر می‌گردد و ۱۵ روز پس از انتشار به اجرا گذارده خواهد شد. چنانچه شورای ایالت فوریت قانونی را اعلام نماید و دولت نیز موافقت نماید، توشیح و اجرای قانون مذکور تابع مهلت یاد شده نخواهد بود.

51- Sicilia

52- Regio decreto legislativo n. 455, 1946

۵۳- طبق ماده ۱۳۱ قانون اساسی ایتالیا و قانون بنیادی شماره ۳ سال ۱۹۶۳ میلادی، آبروزی مولیزه (Abruzzi e Molise) به دو ایالت جداگانه تقسیم شده است.

54- Legge costituzionale n. 3/2001

۵۵- طبق اصلاحات مزبور اختیارات عمومی ایالات افزایش یافته و صلاحیت قانونگذاری دولت مرکزی محدود به موارد احصاء شده گشته است (PAJNO, 2009: 627). لازم به ذکر است که ایالات حق ورود به حیطه قانونگذاری دولت مرکزی ندارند و دولت مرکزی در

برخی حوزه‌ها از اولویت برخوردار می‌باشد: سیاست خارجی و دفاعی، همکاری و مشارکت در سطح اروپایی، شهروندی، سازمان قضایی، قوانین مدنی و کیفری، مقامات محلی، حفاظت از محیط زیست و حمایت برابر در سطح ملی از حقوق مدنی و اجتماعی.

۵۶- رئیس‌جمهور در مورد نتایج انجام وظایف خویش مسئول نخواهد بود، مگر اینکه مرتکب خیانت به میهن گردد و یا نسبت به اجرای قانون اساسی تعدی کند. در چنین مواردی علیه رئیس‌جمهور از طرف اجلاس مشترک مجلسین با رأی اکثریت مطلق اعضاء اقامه اتهام خواهد شد.

۵۷- این ماده به موجب قانون بنیادین شماره ۲ مصوب ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ و نیز قانون بنیادین شماره یک مصوب ۱۶ ژانویه ۱۹۹۸ میلادی اصلاح شده است.

۵۸- با عنایت به تجربه دیوان قانون اساسی ایتالیا در رسیدگی به اتهامات دو تن از وزراء در بین سال‌های ۱۹۷۹-۱۹۷۸ و تعطیلی دیگر فعالیت‌های دیوان برای یک دوره زمانی قابل توجه، قانون بنیادین شماره ۱ سال ۱۹۸۹ اعلام داشت که صلاحیت خاص جنایی دیوان صرفاً در خصوص رئیس‌جمهور اعمال می‌گردد و رسیدگی به اتهامات وزراء در صلاحیت دادگاه‌های کیفری عادی می‌باشد.

۵۹- اصل ۱۴۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «رسیدگی به اتهام رئیس‌جمهور و معاونان او و وزیران در مورد جرایم عادی با اطلاع مجلس شورای اسلامی در دادگاه‌های عمومی دادگستری انجام می‌شود». همچنین طبق بند ۱۰ اصل ۱۱۰، «عزل رئیس‌جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی، یا رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی بر اساس اصل هشتاد و نهم» در زمره وظایف مقام رهبری قرار گرفته است.

۶۰- اختیار دیگری که طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای شورای نگهبان در نظر گرفته شده است تأیید درخواست مراجعه با آراء عمومی است؛ شورای نگهبان نیز در نظریه تفسیری شماره ۴۱۰۴ / ۳۰ / ۸۱ مورخ ۱۳۸۱/۱۲/۲۵ اعلام نموده است که درخواست مراجعه به آراء عمومی موضوع اصل ۵۹ قانون اساسی از مصادیق مصوبات مجلس شورای اسلامی است و باید طبق اصل ۹۴ قانون اساسی به شورای نگهبان ارسال شود.

۶۱- اعلام همه‌پرسی عمومی به منظور لغو کامل یا قسمتی از یک قانون یا حکمی که قدرت قانونی دارد، زمانی انجام می‌پذیرد که تعداد ۵۰۰ هزار نفر رأی دهنده یا پنج شورای ایالت خواستار آن باشند. مراجعه به آرای عمومی در مورد قوانین مالیاتی و بودجه و همچنین

عفو و بخشودگی و تخفیف مجازات و تصویب معاهدات بین‌المللی مجاز نمی‌باشد. تمام شهروندانی که می‌توانند در انتخابات مجلس نمایندگان شرکت کنند، حق شرکت در همه‌پرسی عمومی را دارند. موضوعاتی که به همه‌پرسی گذاشته می‌شوند، در صورتی تصویب خواهند شد که اکثر دارندگان حق رأی در انتخابات شرکت کرده باشند و آرای معتبر اکثریت مطلق شرکت‌کنندگان به دست آمده باشد. نحوه اجرای همه‌پرسی را قانون تعیین می‌نماید.

۶۲- برخلاف دیوان قانون اساسی ایتالیا که به طور تبعی و صرفاً با درخواست قضات مبنی بر رسیدگی به عدم مطابقت قوانین با قانون اساسی به تفسیر قانون اساسی ایتالیا می‌پردازد، یکی از وظایف مهم شورای نگهبان جمهوری اسلامی ایران ارائه تفسیر رسمی از اصول قانون اساسی می‌باشد که اصل ۹۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی در این رابطه مقرر می‌دارد: «تفسیر قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است...» و ماده ۱۸ آیین نامه داخلی شورای نگهبان نیز افراد واجد صلاحیت برای استفسار را مشخص نموده است: «تفسیر اصول قانون اساسی با ارجاع مقام معظم رهبری و یا با درخواست رئیس‌جمهور، رئیس مجلس شورای اسلامی و رئیس قوه قضاییه و یا یکی از اعضای شورای نگهبان صورت می‌گیرد».

63- Adultery by a wife

64- Indirect review (Italian: a posteriori)

۶۵- ر.ک: به یادداشت شماره ۲۱؛

چنانچه دولت تشخیص دهد که قانون تصویب شده از طرف شورای ایالت خارج از صلاحیت شورای مذکور بوده و با منافع ملی یا منافع دیگر ایالات مغایرت دارد، قانون مذکور را در فرصتی که برای تأیید تعیین گردیده است، به شورای ایالت عودت می‌دهد. چنانچه شورای ایالت، قانون مذکور را به موجب رأی اکثریت مطلق اعضای خود مجدداً تصویب نماید، دولت می‌تواند ظرف مدت ۱۵ روز از اطلاع، قانونی بودن آن را در دیوان قانون اساسی و یا موضوع اصلی تعارض منافع را در مجلسین مطرح نماید. چنانچه تردیدی وجود داشته باشد، تشخیص مرجع صالح و رسیدگی در این گونه موارد به عهده دیوان قانون اساسی می‌باشد.

۶۶- طبق اظهار نظر دیوان قانون اساسی، «قانون» مشتمل بر قوانین موضوعه دولت و ایالات، مقررات دولتی (و نه ایالات) و قوانین بنیادین می‌باشد و علاوه بر این قوانینی که حتی قبل از قانون اساسی سال ۱۹۴۷ میلادی لازم الاجراء گشته‌اند نیز مندرج در صلاحیت دیوان می‌باشند (Ferrari, 2008: 195).

67- consequential unconstitutionality

68- sentenze di accoglimento

69- sentenze di rigetto

۷۰- ماده ۱۲۶ قانون اساسی ایتالیا: هرگاه دیوان قانون اساسی مغایرت ضوابط یک قانون یا سند قانونی را که دارای قدرت قانونی است، با اصول قانون اساسی اعلام نماید، قانون یا سند فوق الذکر از روز پس از اعلام دیوان از درجه اعتبار ساقط می‌گردد. تصمیمات دیوان قانون اساسی به مجلسین و شورای ایالات مربوطه اعلام و ابلاغ می‌گردد تا مراجع نامبرده هرگاه لازم بدانند تطبیق آنها را با قانون اساسی مورد توجه قرار دهند.

71- Judgments and Orders (Italian: Sentenze & ordinanze)

72- Inadmissible decision (Italian: sentenze inaccettabile)

73- Interpretative decisions (Italian: sentenze interpretative)

74- interpretative decisions on conformity (Italian: sentenze interpretative di rigetto)
interpretative decisions on non-conformity (Italian: sentenze interpretative di accoglimento)

75- Manipulative decisions (Italian: sentenze manipolative)

۷۶- حفاظت از حقوق و آزادی‌های بنیادین در اصول مختلف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد تأکید قرار گرفته است که با نگاهی به این اصول و مقدمه قانون اساسی به راحتی می‌توان به جایگاه والای این حقوق و آزادی‌ها پی برد (گرجی، ۱۳۸۷: ۱۶۲). شورای نگهبان جمهوری اسلامی ایران نیز نظریات تفسیری متعددی را ذیل اصول فصل حقوق ملت قانون اساسی صادر نموده است.

77- European Court of Human Rights

۷۸- کنوانسیون اروپایی سال ۱۹۵۰ جلوگیری از نقض حقوق بشر را در خصوص اشخاص حقوقی کشورهای عضو اتحادیه اروپا به رسمیت شناخته است. در همین رابطه، دادگاه اروپایی حقوق بشر نمی‌تواند جایگزین نهادهای ملی باشد و صرفاً قادر است که از دولت مزبور بخواهد نقض صورت پذیرفته را در صورت ممکن جبران کرده و یا خسارات وارده را پرداخت نماید.

۷۹- ماده ۱۱۷ قانون اساسی ایتالیا، اصلاحی سال ۲۰۱۲ میلادی: «اختیارات قانونگذاری با رعایت مطابقت با قانون اساسی و نیز محدودیت‌های حاصله از قانونگذاری اتحادیه اروپا و الزامات بین‌المللی به دولت مرکزی و ایالات اعطا می‌گردد: ...».

80- Art. 37, Presidential Decree no. 327/2001

81- Case Scordino v. Italia 2006

۸۲- لازم به ذکر است که علاوه بر نظارت شرعی و قانون اساسی شورای نگهبان که به صورت پیشینی انجام می‌شود، در خصوص «نظارت شرعی» شورای نگهبان می‌توان به «پسینی» بودن آن نیز اشاره نمود؛ شورای نگهبان در نظریه تفسیری شماره ۱۹۸۳ مورخ ۱۳۶۰/۲/۸، خود را برای بررسی قوانین و مقررات پیش از انقلاب صالح دانسته و در پاسخ به استفساریه شورای عالی قضایی مقرر داشته است: «مستفاد از اصل چهارم قانون اساسی این است که به طور اطلاق، کلیه قوانین و مقررات در تمام زمینه‌ها باید مطابق با موازین اسلام باشد و تشخیص این امر به عهده فقهای شورای نگهبان است...». علاوه بر این در تأیید مسأله مذکور می‌توان به ماده ۴۱ دیوان عدالت اداری اشاره نمود که مقرر می‌دارد: «در صورتی که مصوبه به لحاظ مغایرت با موازین شرعی برای رسیدگی مطرح باشد، موضوع جهت اظهارنظر به شورای نگهبان ارسال می‌شود، نظر فقهای شورای نگهبان برای هیأت عمومی، لازم‌الاتباع است».

۸۳- اصل ۹۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این زمینه مقرر می‌دارد: مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد مگر در مورد تصویب اعتبارنامه نمایندگان و انتخاب شش نفر حقوقدان اعضاء شورای نگهبان.

منابع و مآخذ

الف - فارسی

۱. موسی‌زاده و همکاران، ابراهیم (۱۳۸۹)، دادرسی اساسی در جمهوری اسلامی ایران (اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان (۱۳۸۹-۱۳۵۹)، معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات، چاپ اول.
۲. فاورو، لویی (۱۳۸۷)، دیوان قانون اساسی ایتالیا، برگردان علی اکبر گرجی، نشریه حقوق اساسی، سال پنجم، شماره ۹، ۱۲۴-۱۱۱.
۳. گرجی، علی اکبر (۱۳۸۷)، «حاکمیت قانون و محدودیت‌های حق دادخواهی در دیوان عدالت اداری»، سال هفتم، شماره ۹، ۱۸۹-۱۴۹.
۴. امجدیان، حسن (۱۳۹۲)، «آسیب شناسی ساختاری و کارکردی شورای نگهبان»، گزارش پژوهشی پژوهشکده مجازی حقوق، شماره مسلسل ۹۲۰۲۱۱۰۱۷.

ب - انگلیسی

5. "Constitution of The Italian Republic", The Parliamentary Information Archives and Publications Office of the Senate, Service for Official Reports and Communication.
6. Robbers, Gerhard (2007), Encyclopedia of World Constitutions, Facts On File Inc, United States of America.
7. Quaranta, Alfonso (2012), "The Italian Constitutional Court", translation of Clare Tame, Servizi Tipografici Carlo Colombo s.r.l, Rome, Italy.
8. McGaw Smyth, Howard (1948), "The Western Political Quarterly, Italy: From Fascism to the Republic (1943-1946)", University of Utah, Vol. 1, No. 3, 205-222.
9. Einaudi, Mario (1948), "The American Political Science Review: The Constitution of the Italian Republic", USA, American Political Science Association, No. 4, Vol. 42, 661-676.
10. Adams, John Clarke; Barile, Paolo (1953), "The American Political Science Review: The Implementation of the Italian Constitution", American Political Science Association, Vol. 47, No. 1, 61-83.
11. S. Dengler, Daniel (2001), The Italian Constitutional Court: Safeguard of the Constitution, USA, Dickinson School of Law, Carlisle, PA.
12. A. Alito, Samuel (1972), An Introduction to the Italian Constitutional Court, Woodrow Wilson School Scholar Project, professor F.Morphy.

13. Gentili, Gianluca (2008), Individual Constitutional Complaint in Italy: Projects of Introduction and an Assessment of the Real Advantages for the Protection of Fundamental Rights, University of Trento, 3rd Edition.
14. Groppi, Tania (2010), The Italian constitutional court: Towards a multilevel system of constitutional review, Indian Journal of Constitutional Law, Vol 4, 100-117.
15. Farrelly, David G; H. Chan, Stanley (1957), Italy's Constitutional Court: Procedural Aspects, The American Journal of Comparative Law, Vol. 6, No. 2/3, pp. 314-327.
16. Ferrari, Giuseppe Franco (2008), Introduction to Italian Public Law, Giuffrè Editore.
17. Ferrari, Giuseppe Franco; Gambaro, Antonio (2008), "The Italian Constitutional Court and Comparative Law-A Premise", comparative law review, vol 1, 1-22.
18. Panjo, Simone (2009), Regionalism in the Italian constitutional System, Diritto and questioni pubbliche, 625-642.
19. Gentili, Gianluca (2008), Concrete Control of Constitutionality in Italy, University of Trento, 3rd Edition.

ج - پایگاه‌های اینترنتی

20. <http://www.cortecostituzionale.it>

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و
چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت و طایف اسلامی و ملی خود
را ایضا و تحت تاثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و
قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۲۲)



مرکز تحقیقات شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد
قرنی، کوچه خسرو، پلاک ۱۲
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵
info@shora-rc.ir
www.shora-rc.ir